

همه گزینیه‌ها، به جز گزینیه حاصل استخراج قلمرو زبانی متن زیر است.

«یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی و شب خیز و مولع زهد و پرهیز. شبی در خدمت پدر رحمة الله علیه نشسته بودم و همه شب دیدم بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته، پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند، گفت: جان پدر، تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق آفتی.»

(۱) وجود واژگان کهن؛ مانند «دوگانه» و «مصحف»

(۲) کاربرد دستوری تاریخی «بودمی» و «پدر را گفتم»

(۳) سادگی و کوتاهی جمله‌ها، مانند «چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند ...»

(۴) عبارت «در پوستین خلق افتادن» به معنی: غیبت کردن و بدگویی کردن از مردم

در کدام گزینیه، کاربرد واژه «قاتل» متفاوت است؟

(۱) به خونم گر بیالاید دو دست نازنین شاید

(۲) بس دروغ و عشوه‌ات را گوش کرد

(۳) مرا هر آینه روزی تمام کشته ببینی

(۴) بردند پیش قاضی از قتل من حکایت

در همه گزینیه‌ها، به جز گزینیه حرف «را» در معنی «حرف اضافه» است.

(۱) حکمت محض است اگر لطف جهان آفرین

(۲) بگفتا: گر کند چشم تو را ریش

(۳) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟

(۴) دیگران را تلخ می‌آید شراب جور عشق

نوع «را» با توجه به کاربرد آن در بیت «ساروان، بار من افتاد خدا را مددی / که امید کرمم همزه این محمل کرد» در کدام گزینیه، نیامده است؟

(۱) دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را

(۲) سخن در پرده گفתי با حریفان

(۳) علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را

(۴) چو گل گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن

کاربرد «را» در کدام گزینیه، نشانه مفعول است؟

(۱) درویشی را شنیدم که در آتش فاقه می‌سوخت و رُقه بر خرقة همی‌دوخت.

(۲) پیش پیغمبر آمد و گله کرد که مر این بنده را برای معالجت اصحاب فرستاده‌اند.

(۳) گویند خواجه‌ای را بنده‌ای نادرالحسن بود و با وی به سبیل مودت و دیانت نظری داشت.

(۴) یکی را دل از دست رفته بود و ترک جان کرده.

در متن زیر، تحلیل بخش‌های مشخص شده، به ترتیب به کدام دیدگاه‌ها مربوط می‌شود؟

«گرگ خاموش بایستاد. پس در میان رَمه تاخت و یکی را از آن گوسفندان بگرفت و بدرید و بخورد و سگ هیچ آواز نداد. چون معامله گرگ و سگ دیدم، بدانستم که تباهی کار گوسفندان من، از بی‌راهی سگ بوده است.»

- (۱) ادبی، زبانی
- (۲) زبانی، فکری
- (۳) ادبی، ادبی
- (۴) زبانی، زبانی

همه گزینیه‌ها، به جز گزینیه حاصل استخراج نکات قلمرو ادبی متن زیر است.

«خشکسالی که در اسکندریه عنان طاقت درویش از دست رفته بود و درهای آسمان بر زمین بسته و فریاد اهل زمین به آسمان پیوسته.»

(۱) به کار بردن ترکیب‌های «عنان طاقت» و «درهای آسمان»

(۲) به کار بردن عبارت «عنان از دست رفته بود.»

(۳) حذف فعل «بود» بعد از واژه‌های «بسته» و «پیوسته»

(۴) قرار گرفتن دو واژه «بسته» و «پیوسته» در پایان جمله‌ها

در همه گزینیه‌ها، کاربرد کهن واژگانی دیده می‌شود؛ به جز گزینیه

(۱) نقل است که مردی مدتی در صحبت ابراهیم بود، مفارقت خواست کردن.

(۲) چون مرا باشی، منشور فضل و کرم در نوشتم. از خودم باز مدار.

(۳) مادر و پدرش گفتندی: کاشکی بیامدی، و هر دینی که او بخواستی، ما موافقت او کردمانی.

(۴) فرمود: لازم نیست که نفس این سخن را فهم کند، آن چه اصل این سخن است آن را فهم کند.

کدام بیت با ویژگی‌های زبانی امروز تطابق بیش تری دارد؟

(۱) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی؟

(۲) ای خوش از تن کوچ کردن خانه در جان داشتن

(۳) چو رخ بنمود آن پیر فتاده

(۴) که گویند ز ایران سواری نبود

دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را

روی مانند پری از خلق پنهان داشتن

ز اسب خویشتن شه شد پیاده

که یارست با شیده رزم آزمود

۶۶ کدام بیت با بیت زیر، ارتباط مفهومی بیش تری دارد؟

ای در درون پرده جان، از که جویمت؟
ای دل سرگشته خون شو وز ره چشمم بچک
آه آشناک از جان می‌رسان سوی فلک
بهر حورالعین گذر کن زین عجز مشترک
در میان آب و غافل ز آب می‌باشد سمک (ماهی)

«در جست‌وجوی تو دلم از پرده افتاد
(۱) رو به وصل تو نبردم چند گشتم کو به کو
(۲) اشک خونین از جگر می‌ریز بر روی زمین
(۳) بگذر از دنیای دون و سعی کن بهر جان
(۴) او به دور تو محیط است و تویی غافل از او

۶۷ در کدام گزینه، مفهوم مقابل «خردگرایی» وجود دارد؟

خرد دست گیرد، به هر دو سرای
کاین کام تو را زود به ناکام رساند
عشق داند که در این دایره سرگردانند
دستی چنین گشاده که تا شور و شر کند

(۱) خرد رهنمای و خرد دلگشای
(۲) باری تو بهل کام خود و نور خرد گیر
(۳) عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی
(۴) پای خرد بیسته و اوباش نفس را

۶۸ از نظر قلمرو فکری مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

در این محنت سرا تاکی به آب و خاک خرسندی؟
بال و پری از برق در این بیشه طلب کن
صائب ز رفیقان گران‌بار حذر کن
مرغی که چرد ریحان بر سنبل و سوسن‌ها؟

(۱) یکی بر آسمان تازی بر اوج قدس پروازی
(۲) با مرکب چوبین نتوان رفت به جایی
(۳) سنگ ره توفیق بود پای گران خواب
(۴) بر خار بیابان‌ها تا چند توان خفتن؟

۶۹ کدام یک از ابیات زیر، از نظر ویژگی فکری با دیگر ابیات متفاوت است؟

هر چه به عالم تژشی، دورم و بیزارم از او
واندر دلِ دون همت، اسرار تو چون باشد؟
کنی تیمار (غم) صدساله فراموش
همه شاهد و خوبیم، همه چون مه عیدیم

(۱) خانه شادی است دلم، غصه ندارم چه کنم
(۲) در خانه غم بودن، از همتِ دون باشد
(۳) اگر یک روز با دلبر خوری نوش
(۴) سر غصه بکوبیم و غم از خانه برویم

۷۰ با توجه به «قلمرو فکری» اشعار، در کدام گزینه، به مفاهیم ابیات به درستی اشاره نشده است؟

در نماند هر که امشب فکر فردا می‌کند (عاقبت‌نگری)
ناز گلخندت ز گل‌ها، بی‌نیازم می‌کند (عشق‌گرایی)
از آن به که کشور به دشمن دهیم (ملی - میهنی)
که بعد از من آفرود از مدفن من (غم‌گرایی)

(۱) عشق و مستی را از این عالم به آن عالم بریم
(۲) غنچه‌هایت نیازآلود نیازم می‌کند
(۳) همه سر به سر تن به کشتن دهیم
(۴) میندار این شعله افسرده گردد

۷۱ کدام بیت به ستایش «معشوق» می‌پردازد؟

کان که عاشق شد از او حکم سلامت برخاست
سرو آزاد به یک پای غرامت برخاست
نتواند ز سر راه ملامت برخاست
که نه اندر عقبش گرد ندامت برخاست

(۱) عشق ورزیدم و عqlم به ملامت برخاست
(۲) در گلستانی کان گلبن خندان بنشست
(۳) هر که با شاهد گل روی به خلوت بنشست
(۴) که شنیدی که برانگیخت سمند غم عشق

۷۲ در کدام گزینه تقابل «عقل و عشق» دیده نمی‌شود؟

اوصاف یوسف از لب اخوان شنیدن است
لیکن این بیچاره را آن جرئت رندانه نیست
عشق دیده زان سوی بازار او بازارها
چو شبمنی است که بر بحر می‌کشد رقمی

(۱) صائب ز اهل عقل شنیدن حدیث عشق
(۲) عقل هم عشق است و از ذوق نگه بیگانه نیست
(۳) عقل بازاری بدید و تاجری آغاز کرد
(۴) قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق

۷۳ از کدام بیت مفهوم «جبرگرایی» دریافت می‌شود؟

به خوبی در همه عالم نظر کردن توان؟ نتوان
قضای آسمانی را دگر کردن توان؟ نتوان
از آن معنی رقیبان را خبر کردن توان؟ نتوان
ز خون بی‌گناه او را حذر کردن توان؟ نتوان

(۱) نگارا از سر کویت گذر کردن توان؟ نتوان
(۲) مرا این دوستی با تو قضای آسمانی بود
(۳) چو با ابروی تو چشمم به پنهانی سخن گوید
(۴) نگویی چشم مستت را، که خون من همی ریزد

۷۴ همه ابیات قطعاً مفهوم عرفانی دارند؛ به جز

که ابروی تو خواهد گشت از خط طاق نسیانی
که من آن زمان شوم من که اثر ز من نماند
نگه دارش میان جان، مگو با هیچ کس عمدا
نافم بر آن برید او آن دم که من بزادم

(۱) نبرداری به عاشق از غرور حسن، ازین غافل
(۲) چو خوش است اتحادی که حجاب تن نماند
(۳) ازین دریای بی‌پایان اگر گوهر به دست آری
(۴) مادر چو داغ عشقت می‌دید در رخ من

⊕ با توجه به متن زیر، به سؤالات داده‌شده پاسخ دهید.

«چون بشناختم که آدمی، شریف‌ترِ خلائق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.»

هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش‌آشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روییده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، ازدهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات نمود. موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست. پیش‌خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، چتد بلیغ می‌نمایند و ...، چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد. پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز، و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد، و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند، و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آن‌گاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.»

۲۴- نکات برجسته قلمرو زبانی متن فوق را ذکر کنید. (ذکر چهار مورد کافی است.)

۲۵- برای هر یک از موارد زیر در قلمرو زبانی، یک مورد بیابید.

الف) کاربرد «را» به معنی برای

ب) جدانویسی نشانه منفی‌ساز فعل «نه»

۲۶- در متن دو واژه کهن بیابید که امروزه به گونه‌ای دیگر به کار می‌روند.

۲۷- نکات برجسته قلمرو ادبی متن را بنویسید.

۲۸- در این حکایت، نگرش و برجسته است.

۲۹- با توجه به بررسی قلمرو فکری متن، مقصود اصلی نویسنده را ذکر کنید.

۳۰- نویسنده برای بیان مقصود خود در جایگاه اندرز، خطاب به خواننده چه نکاتی را یادآور می‌شود؟

۳۱- تفاوت نوع نگاه مثبت و خوش‌بینانه نویسنده با نگرش منفی وی در چیست؟

خجل شد چو پهنای دریا بدید
گر او هست حقا که من نیستم
صدف در کنارش به جان پرورید
که شد نامور لؤلؤ شاهوار

❶ با توجه به شعر زیر به سؤالات داده شده پاسخ دهید.
یکی قطره باران ز ابری چکید
که جایی که دریاست من کیستم؟
چو خود را به چشم حقارت بدید
سپهرش به جایی رسانید کار
۳۹- شعر فوق چه نوع لحنی دارد؟

۴۰- اولین مرحله قبل از شناسایی نکات زبانی چیست؟

۴۱- چهار مورد از نکات برجسته قلمرو زبانی را ذکر کنید.

۴۲- سه مورد از نکات برجسته قلمرو ادبی را بنویسید.

۴۳- با بررسی قلمرو فکری، مفهوم و محتوای اصلی شعر را بیان کنید.

۴۴- با توجه به شعر زیر، بنویسید هر یک از موارد ذکر شده در حوزه کدام قلمرو می‌گنجد؟

که بدسیرتان را نکوگوی بود
که باری حکایت کن از سرگذشت
چو بلبل به صوتی خوش آغاز کرد
که من سخت نگرفتمی بر کسی

یکی خوب کردار خوش خوی بود
به خوابش کسی دید چون درگذشت
دهانی به خنده چو گل باز کرد
که بر من نکردند سختی بسی

❷ کاربرد تاریخی دستور: فعل «نگرفتمی» به جای نگرفتم.

❸ بررسی آرایه تشبیه: «دهانی چو گل / صوتی چو بلبل»

❹ توجه به نحوه قرار گرفتن قافیه‌ها و شناخت قالب مثنوی

❺ سادگی زبان شعر و استفاده از جملات کوتاه

❻ کمی واژگان غیرفارسی

❼ بیان اهمیت خوش خلقی و سیرت نیکو داشتن